



بانک‌های چین

بال‌های مالی ازدهای زرد

اگر بانک‌های چینی وظایفشان را به خوبی انجام دهند اقتصاد این کشور بسیار سریع‌تر رشد خواهد کرد.

چینی در حال حاضر برنامه خاصی در خصوص تجاری کردن وام‌ها و اعتبارات خود ندارند. نکته جالت توجه دیگر در این زمینه این است که بانی اصلاحات در بخش بانکداری چین نیز به نظر نمی‌رسد که تمایل چندانی به شکستن تابوهای موجود در این بخش داشته باشد. این در حالی است که صدور مجوز برای بانک‌های خارجی به منظور در دست گرفتن کنترل مؤسسات مالی و اعتباری این کشور بدون شک علاوه بر افزایش رقابت در بخش بانکداری و مالی چین روند مدرنیزه شدن این صنعت را شتاب بیشتری خواهد بخشید. البته تلاش طولانی مدت یک کنسرسیوم خارجی به رهبری سیتی‌گروپ آمریکا برای خرید ۸۵ درصد از سهام بانک توسعه گواندونگ (GDB) که یک مؤسسه مالی نسبتاً کوچک است تا به حال به در بسته خورده است.

مالکیت محدود

لازم به ذکر است قوانین موجود تنها تا سقف ۲۵ درصد فروش سهام بانک‌های چین به سرمایه‌گذاران خارجی را مجاز شمرده است. از سوی دیگر هیچ سرمایه‌گذار خارجی منفرداً حق تصاحب بیش از ۲۰ درصد سهام یک بانک چینی را ندارد. در هر صورت شواهد و قرائن موجود همگی نشان می‌دهند که وضعیت نامناسب بانک‌های این کشور باعث شده تا ازدهای زرد بیشتر به ابزارهای اقتصاد کلان متکی شود و هر از گاهی بانرخ‌های بهره بانکی بازی کند.

مذکور از محل افزایش کارآمدی بانک‌ها و مؤسسات مالی چین با استفاده از کاهش هزینه‌ها و نصب و راه‌اندازی سیستم‌های خودکارسازی و توسعه تجارت اوراق بهادار امکان‌پذیر می‌باشد. ۲۶۰ میلیارد دلار باقیمانده نیز از محل هدایت درست وام‌ها و اعتبارات بانکی به بخش‌های ترازده و کارآمد اقتصاد این کشور قابل استحصال خواهد بود. بر همین اساس بانک‌های چینی باید برای دستیابی به این هدف بسیار مهم و حیاتی اعتبارات خود را از بخش‌های ناکارآمد و ضعیف دولتی تخریب و آن را به سمت شرکت‌های خصوصی هدایت نمایند که در حال حاضر تنها ۲۷ درصد از وام‌ها و اعتبارات بانک‌ها را جذب می‌کنند در حالی که ۵۲ درصد محصول ناخالص داخلی کشور به آنها اختصاص دارد.

اگر بانک‌های این کشور به چنین اقدام سازنده‌ای مبادرت ورزند در آن صورت نه تنها کارآمدی و اثر بخشی سرمایه‌گذاری‌ها افزایش می‌یابد بلکه سود قابل توجهی را نصیب انبوه متس‌انداز کنندگان کوچک این کشور خواهد کرد. البته شاید بر زبان راندن این حرف‌ها از عمل کردن به آنها خیلی ساده تر و راحت تر باشد. ولی در هر حال بانک‌های این کشور که از جانب دولت به طور کامل پشتیبانی شده و تقریباً تمام فعالیت‌های آنها تضمین شده است در خلال چند سال گذشته دست به یک سری نوسازی درونی زده‌اند؛ هر چند نباید فراموش کرد که ترک عادات گذشته معمولاً زمان بر است. بر اساس گزارشی که اخیراً توسط اقتصاددانان صندوق بین‌المللی متول تهیه و تدوین شده است بانک‌های

اقتصاد چین همچنان مایه بهت و حیرت سایر اقتصادهای جهان است. اما در تاس جهش اقتصاد ازدهای زردت روند رو به رشد اعتبارات بانکی این کشور متنهان شده است. برای مثال نرخ رشد اعتبارات در مؤسسات مالی چینی در سال مالی منتهی به ماه مارس سال جاری به ۱۵ درصد بالغ گردید که میزان آن بالاتر از ۱۲ تا ۱۴ درصد تپیش بینی شده می‌باشد. به گفته جاناتان آندرسن اقتصاددان ارشد شعبه آسیایی بانک UBS حجم اعتبارات مؤسسات مالی چین در حال نزدیک شدن به سطح اعتبارات سال ۲۰۰۳ است که در اوت خود قرار داشت.

کارشناسان اقتصادی معتقدند که چین می‌تواند اقتصادش را با شتاب بیشتری به جلو هدایت نماید. حجم عظیمی از بدهی‌های نکول شده تنها یکی از آثار مشهود توزیع نادرست اعتبارات و منابع مالی در میان بانک‌های چینی است. البته سرنوشت بیشتر وام‌ها و بانک‌های این کشور به نکول ختم نمی‌شود هر چند بازدهی آنها آنقدرها نیست که قابل توجه بوده و سودی برای بانک‌ها در برداشته باشد. در مطالعه‌ای که مؤسسه مشاوره اقتصادی مکنزی در این خصوص انجام داده و قرار است نتایج آن به زودی منتشر شود چنانچه بانکداران و مدیران مؤسسات مالی چین وظایفشان را به خوبی انجام دهند میزان محصول ناخالص داخلی این کشور می‌تواند معادل حیرت‌آور ۳۲۰ میلیارد دلار افزایش یابد که ۱۶ درصد ارزش تولید فعلی خواهد شد. بنا به گزارش مؤسسه مکنزی ۶۰ میلیارد دلار از رقم